



در نشست «بسته‌های آموزشی، جایگزین کتاب‌های درسی» مطرح شد:

یادگیری پایدار با بسته‌های آموزشی

داشتن نظام آموزشی پیشرو و آینده‌نگر که در آن کودکان و نوجوانان، علاوه بر یادگیری مفاهیم پایه دانش، مانند علوم تجربی، ریاضیات و خواندن و نوشتن، با مهارت‌های زندگی فردی و اجتماعی آشنا می‌شوند و آن‌ها را در مدرسه تمرین می‌کنند، دغدغه بسیاری از صاحب‌نظران و مردمی است که تحول نظام تعلیم و تربیت کنونی را برای رسیدن به آن خواستارند. از بین تمامی ضرورت‌های لازم برای تحول و بهبود نظام تعلیم و تربیت، تهیه محتوای آموزشی مناسب در قالب بسته‌های آموزشی، برای مربیان، دانش‌آموزان و حتی خانواده‌ها، مورد تأکید کارشناسان است که بر اساس آن مدرسه‌ها می‌توانند فارغ از کلیشه‌های تکراری، خسته‌کننده و گاه ناکارآمد کتاب‌های درسی، «آموزش» به معنای واقعی را داشته باشند.

که به همت «انجمن ترویج علوم انسانی» در حاشیه نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران برگزار شد، بر آن تأکید دارد. وی با اشاره به اینکه افراد صاحب‌نظر در حوزه آموزش و پرورش سال‌هاست که با توجه به اهمیت موضوع درصدد ورود به این بحث هستند، گفت: «برای بیان اهمیت موضوع بسته‌های آموزشی، مقدمه‌ای را بیان می‌کنم. ما در ۱۰ سال گذشته شاهد حرکت جدی و جاندار در باب تولید اسناد آموزشی بوده‌ایم. سند تحول بنیادین، مبانی نظری تحول بنیادین، سند مهندسی فرهنگی که توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی تهیه شده، سند توسعه جامع علمی کشور، اسناد برنامه درسی ملی و هدف‌های دوره‌های درسی، از جمله این اسناد هستند. حال سؤال اینجاست که: آیا این اسناد به خودی خود اسناد خوبی هستند؟ در دنیای امروز و با ارزش‌های آکادمیک موجود، این اسناد محلی از اعراب دارند؟ بسیاری از صاحب‌نظران پاسخ داده‌اند: این اسناد به لحاظ نظری نمره خوبی می‌گیرند. اما بلافاصله این سؤال مطرح می‌شود که: این اسناد در مدرسه‌ها چه تأثیری دارند؟ اگر ما امروز می‌بینیم که این اسناد در

این بسته‌ها دارای محتوای آموزشی برای مدرسه‌ها و آموزش‌های فرامدرسه‌ای هستند که در قالب ساعت‌ها فیلم آموزشی و فیلم مستند، و هزاران منبع متنی، صوتی و نرم‌افزاری، به مخاطبان ارائه می‌شوند. بسته آموزشی در شکل استاندارد آن، دارای موضوع‌های کاربردی برای یادگیری مفاهیم موردنیاز زندگی واقعی است که در کتاب‌های درسی به آن‌ها پرداخته نشده است؛ مباحثی نظیر فن بیان، تعاملات اجتماعی، زبان بدن، بینش و مهارت‌های هنری، مهارت‌های ورزشی، سواد مالی، اقتصاد خانواده، کسب‌وکار، سواد رسانه‌ای و مهارت‌های فنی. وقتی از ضرورت‌های یک بسته آموزشی استاندارد صحبت می‌کنیم، منظورمان تأیید بسته‌های موجود در بازار نیست. البته اصلاً منظور بسته‌های کمک‌درسی نیست که به‌عنوان بسته‌های آموزشی ارائه می‌شوند و تنها هدفشان داغ‌تر شدن بازار کنکور و تندتر شدن موتور تست‌زنی دانش‌آموزان است! این همان نکته‌ای است که دکتر محمود امانی‌طهرانی، مشاور علمی رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش، در نشست «بسته‌های آموزشی، جایگزین کتاب‌های درسی»

تغییر حال معلمان و دانش‌آموزان تأثیری نداشته‌اند، ناشی از چیست؟»

امانی طهرانی اظهار داشت: «من معتقدم، تأثیرگذاری این اسناد از راه آگاه‌سازی تک‌تک مجریان از بندهای اسناد، عبور نمی‌کند. این اسناد وقتی در آموزش و پرورش تأثیرگذارند که بین آن‌ها و مدرسه‌ها، پل ارتباطی شکل بگیرد که در نتیجه آن، مفاهیم به محصولات موردنیاز مدرسه‌ها تبدیل شوند. مدرسه نیاز دارد که این اسناد مبنای تولیدات آموزشی از جنس بسته‌های آموزشی قرار گیرند. برای درک بهتر این موضوع مثالی می‌زنم.

اگر شما عملکرد شرکت اسباب‌بازی «لگو» (Lego group)، نام یک شرکت دانمارکی تولیدکننده اسباب‌بازی که سال‌هاست به‌عنوان یکی از پیشروترین طراحان و تولیدکنندگان اسباب‌بازی در این صنعت فعالیت دارد) را در چند دهه اخیر بررسی کنید، خواهید دید که لگو ابتدا یک شرکت اسباب‌بازی‌سازی بوده است، اما در دوره‌های این شرکت چرخش ماهوی داشت و به «آموزش لگو» (Lego education) تبدیل شد. این شرکت بسته‌هایی برای آموزش ریاضی، علوم و زبان طراحی و اجرا کرده است؛ بسته‌هایی با مقداری ابزارآلات فیزیکی، طرح درس، متن آموزشی و مفهیمی که باعث آموزش عمیق‌تر، کاربردی‌تر، جذاب‌تر و آسان‌تر همراه با کار فردی و گروهی. نکته اینجاست که لگو با تئوری‌های منحصر به خود، بسته‌های آموزشی را عرضه می‌کند. من معتقدم ما هم امروز باید با تئوری‌های خودمان، بسته‌هایی را در سطح مدرسه‌ها طراحی و اجرا کنیم. یعنی درصد آن باشیم که جریانی حرفه‌ای و جدی برای تولید بسته‌های آموزشی مبتنی بر حجم عظیم پشتوانه نظری آموزش و پرورش خودمان شکل گیرد.

وی با طرح مثالی دیگر ادامه داد: «شما حتماً نام ماریا مونته سوری را شنیده‌اید. ماریا مونته سوری، پزشکی ایتالیایی و سرپرست یکی از مراکز نگهداری کودکان معلول و بیمار در این کشور بود. او در حین کار در مرکز متوجه برنامه‌های آموزشی و تربیتی کودکان شد و دریافت که فرصت آزاد برای تجربه کردن به آنان داده نمی‌شود. چون علاقه داشت در این زمینه کاری انجام دهد، به دانشگاه بازگشت و در رشته تعلیم و تربیت و جامعه‌شناسی تحصیل کرد و با الگوها و روش‌های آموزشی آشنا شد. سپس به‌جای برنامه‌های آموزشی موجود، الگوی جدیدی برای بچه‌ها ارائه داد که مبتنی بر آزادی‌های بیشتر بود. دغدغه او ابتدا عدالت آموزشی بود، چون تحقیقات متعدد نشان دادند، بچه‌های اقل‌شمار ضعیف‌تر از پیشرفت تحصیلی کمتری برخوردارند. تعلیمات مونته سوری هم به‌گونه‌ای بود که بچه‌های محروم هم از خدمات آموزشی بهتری بهره‌مند شوند.»

امانی طهرانی تأکید کرد: «با توجه به زمینه گفته شده، امروز شاهد آن هستیم که تعدادی کمپانی و صنعت کار در امر تعلیم و تربیت وارد شده‌اند و بسته‌هایی را در شش زمینه

علوم تجربی، ریاضیات، سبک زندگی، زبان، فرهنگ و هنر ارائه می‌کنند. این بسته‌ها سبب می‌شوند، چارچوب شناختی بچه‌های تحت تعلیم تغییر کند. یعنی یادگیری مؤثر اتفاق افتد.»

معلم حرفه‌ای

وی با اشاره به نقش معلمان در اجرای این بسته‌ها تأکید کرد: «معلم مدرسه در اینجا کسی است که بسته آموزشی می‌تواند در مؤثرتر شدن آموزش به او کمک کند. در این صورت تعریف معلم دچار تغییری جدی می‌شود. در حال حاضر ما دو تعریف برای معلم داریم: یکی معلمی که از اول سال، صفحه به صفحه کتاب را تدریس می‌کند، و نقطه مقابل معلمی که خودش طراح موقعیت‌های آموزشی و برنامه‌ریز درسی است. اما تعداد این معلمان بسیار اندک است. معلمی که در بسته آموزشی مدنظر ماست، بین این دو طیف قرار دارد.

آموزش معلم در این معنا، از طریق بسته آموزشی آغاز می‌شود. او معلم حرفه‌ای است و روی اجرای بسته‌های حرفه‌ای عمل می‌کند؛ یعنی معلمی که مهارت لازم را برای اجرای بسته‌ها دارد. کسی که روان‌شناسی رشد می‌داند، قصه‌گویی می‌کند، از روان‌شناسی علم و هنر برخوردار است و اصلاً گواهی‌نامه تأیید صلاحیت اجرای بسته‌های آموزشی را دارد. در شیوه‌های سنتی تدریس، معلم کسی است که بدون کتاب درسی نمی‌تواند کلاس درس را پیش ببرد. ولی تعریف معلم در روش تدریس نوین تغییر می‌کند. در این روش تدریس، معلم کسی است که بدون کتاب درسی هم می‌تواند کلاس را پیش ببرد و مفاهیم آموزشی را به دانش‌آموزان منتقل کند.

بیدار کردن موقعیت‌های یادگیری

آقای امانی افزود: «بسته‌ای که من از آن‌ها صحبت می‌کنم، در واقع الان هنوز موجود نیست. من از نیازی صحبت می‌کنم که نیازمند تولید آن هستیم. اگر چنین اتفاقی بیفتد، ما مدرسه خوب خواهیم داشت؛ یعنی مدرسه‌ای که موقعیت‌های یادگیری را به خوبی برای دانش‌آموزان پدیدار می‌سازد. ما هنوز به دنبال این الگو نرفته‌ایم. ما باید به دنبال موقعیت‌های یادگیری طراحی‌شده‌ای باشیم که پشتش یک دنیا کار کارشناسی نهفته است و وقتی وارد مدرسه می‌شود، فرایند یادگیری را آسان می‌کند. در این صورت، ما منظومه جدیدی از تولید، تدریس و پشتیبانی خواهیم داشت و شاهد رشد بچه‌ها به جای یادگیری صوری خواهیم بود. چون نهایت هدف این الگو، یادگیری مؤثر است و نه یادگیری طوطی‌وار.»

این استاد دانشگاه توضیح داد، با این فضای جدید آموزشی، کودک هنگام ورود به مدرسه با سه کتاب کلی فارسی، علوم و ریاضی مواجه نیست و در ادامه گفت: «در این صورت دانش‌آموز درگیر طرح درسی می‌شود که دیدن فیلم، بازی کردن، گفت‌وگو کردن و قصه شنیدن، همه اجزای آن هستند و یک

رابطه متقابل فرهنگ و آموزش

وی در ادامه نشست و در پاسخ به انتقادات حاضران به نظام آموزشی کشور گفت: «زمانی بسیاری از مشکلات حل می‌شود که آموزش و پرورش اولویت اول کشور باشد و ۱۰ تا ۱۵ درصد کل درآمد ما به این وزارتخانه اختصاص یابد. باید مراقب باشیم، معلمان ناامید، بدخلق، منفی‌نگر به مدرسه راه پیدا نکنند. باید والدین، بچه‌ها و مدیریت مدرسه دائم رصد کنند و اگر معلمی دارای صلاحیت‌های عمومی و تخصصی نباشد، استخدام او مورد بازنگری قرار گیرد.»

امانی‌طهرانی ادامه داد: «البته از سوی دیگر، با توجه به دغدغه‌های معیشتی مردم و تورم موجود، باید مشوق‌هایی برای کار بهتر معلم هم در نظر گرفته شود. اگر به پارادایمی که مطرح شد عمل کنیم، در آن صورت هر جوانی بالقوه می‌تواند معلم باشد. حتی ممکن است جوانی با هزینه خودش دوره‌های تدریس بسته‌های آموزشی را گذرانده باشد و البته در کنارش، دیگر صلاحیت‌های لازم معلمی را هم داشته باشد و به‌عنوان یک معلم حرفه‌ای کار کند.»

او با بیان اینکه آموزش و پرورش در ایران با بقیه کشورهای دنیا خیلی متفاوت است، اظهار داشت: «ما بار وزارتخانه‌های دیگر را روی دوش یک وزارتخانه گذاشته‌ایم و بعد آن را به حال خود رها کرده‌ایم. برای مثال، مسئولیت ساختمان مدرسه‌ها در همه کشورهای دنیا با شهرداری‌هاست. یعنی ساختن، زیباسازی، ایمنی و نگهداری آن با شهرداری‌هاست، اما در کشور ما اگر مدرسه‌ای چراغش دود می‌کند، وزیر باید پاسخ‌گو باشد! دومین موضوع که در همه جای دنیا وظیفه آموزش و پرورش نیست، تربیت معلم است. در همه جای دنیا آموزش عالی وظیفه تربیت معلم را به عهده دارد. ما الان صندلی خالی و استاد در آموزش عالی داریم، اما دانشجو نداریم. از طرف دیگر، در پردیس‌های فرسوده آموزش و پرورش به تربیت معلم می‌پردازیم. موضوع دیگر، مسائل رفاهی معلمان است. مسائل مالی از این جنس نباید به عهده آموزش و پرورش باشند.»

این استاد دانشگاه خاطر نشان کرد: «تا زمانی که حجم عظیمی از مسائل گفته شده به عهده دستگاه تعلیم و تربیت ماست، نمی‌توان انتظار زیادی از آموزش و پرورش داشت. متأسفانه بسیاری از مواقع به دلیل آنکه تعلیم و تربیت شأن واقعی خود را پیدا نکرده است، بسیاری از افرادی که وارد آموزش و پرورش می‌شوند، پس از طی مراحل از ترقی قصد ورود به آموزش عالی را دارند. راه‌حل آن است که امیدوارانه و با واقع‌بینی منطقی قدم‌هایی برای آینده نظام آموزشی کشور برداریم. باید همیشه به خاطر داشته باشیم، آموزش و پرورش هر کشور با فرهنگ آن کشور، رابطه تنگاتنگ و متقابل دارد. مثل ایمان و عمل صالح که رابطه متقابل با هم دارند. فرهنگ خوب آموزش را تقویت می‌کند و برعکس. این چرخه‌ای بسیار مهم است که نتیجه آن تربیت شهروند مسئول و دولت مسئول و پاسخ‌گو توسط نظام آموزشی است.»

سیر یادگیری را شامل می‌شوند. در نتیجه بعد از اجرای آن، دانش‌آموز به لحاظ رشدی، در سطح بالاتری قرار می‌گیرد. باید خانواده‌ها این استانداردها را بشناسند و از تعلیم و تربیت انتظارات واقعی داشته باشند. بسته آموزشی باید بخش‌های تجویزی، نیمه‌تجویزی و غیرتجویزی، یعنی اختیاری، داشته باشد. مدرسه از بین موجودی‌های بسته حق انتخاب دارد و در مجموع از این بخش‌ها، برنامه‌ای تحت‌عنوان «برنامه ویژه مدرسه» (بوم) پدید می‌آید. امسال وزیر آموزش و پرورش هم ابلاغ کرد که تمامی مدرسه‌ها دو ساعت در هفته مجازند، خودشان دست به تولید و انتخاب محتوای آموزشی بزنند.»

مشاور رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی افزود: «بسته‌های کنونی همه به کتاب‌های درسی متصل‌اند. بسته مدنظر من، ناظر بر کتاب درسی نیست و ناظر بر هدف‌های درسی است. در این مدل پیشنهادی، تقریباً روزگار کتاب با مدل‌های آزمون و تست سپری شده است. کتاب‌های درسی در حال حاضر نیاز افراد را برآورده نمی‌کنند و فقط به مدد آزمون و تست همچنان پابرجا هستند. اگر با این دید پیش برویم که باید در کشور اتفاق مثبتی بیفتد، قطعاً باید از جنس بسته آموزشی باشد که از آن صحبت شد. باید با امیدواری به سوی تهیه و اجرای این بسته پیش رفت. بسیاری از نظام‌های آموزشی موفق امروز دنیا، زمانی که خیلی هم دور نیست، با مشکلات زیادی مواجه بوده‌اند. مثلاً فنلاند که امروز دارای یکی از پیشرفته‌ترین نظام‌های آموزشی دنیاست و من از نزدیک آن را لمس کرده‌ام، زمانی در دهه ۱۹۷۰ میلادی، مشکلات زیادی در این زمینه داشت. اما در یک فاصله ۳۰ ساله نظام آموزشی آن به بهترین نظام آموزشی جهان تبدیل شد. جالب آنکه همین کشور با وجود تمامی موفقیت‌ها، باز هم در سال ۲۰۱۴ اصلاح مجددی را در نظام آموزشی خود رقم زد تا بهتر از آنچه هست، باشد. به همین دلیل من معتقدم: اگر اصلاح نظام آموزشی را به یک جریان فکری و مطالبه عمومی تبدیل کنیم، حتماً موفق خواهیم شد.»

این استاد دانشگاه با اشاره به غفلت از تهیه بسته‌های آموزشی توضیح داد: «متأسفانه آموزش و پرورش ما، به دلیل بسیاری مسائل حاشیه‌ای و بارهایی که اصلاً به دوش کشیدن آن وظیفه دستگاه تعلیم و تربیت نیست، به اندازه‌ای درگیر شده که پرداختن به مباحث مهم را به فراموشی سپرده است. ما با بحث عدالت آموزشی که در موضوع بسته‌های آموزشی به دنبال آن هستیم، فاصله زیادی داریم. در بسیاری از بخش‌های دیگر، مثل بهداشتی، امنیتی و... استانداردها در تمام کشور و در تمامی مناطق یکی است، اما در بحث آموزش و مدرسه، ما با مدرسه‌هایی در تهران روبه‌رو هستیم که اگر شما فیلم آن‌ها را مشاهده کنید، تصور می‌کنید مدرسه‌ای اروپایی است. در حالی که مدرسه‌های ما در مناطق محروم در وضعیت نامساعدی قرار دارند و بسیاری از بچه‌ها از حداقل‌های آموزشی بهره‌مند نیستند.»

آموزش و پرورش

هر کشور با

فرهنگ آن

کشور، رابطه

تنگاتنگ و

متقابل دارد. مثل

ایمان و عمل

صالح که رابطه

متقابل با هم

دارند